



قیمت اشتراک سالیانه در ایران
یک تومان
در سایر ممالک
پنج فرانک

کافه
۱۳۲۴

این روزنامه هر دو هفته یکبار
نشر میشود

عنوان مراسلات
Redaktion Kavel:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

* * سه شنبه ۷ شهریور ماه ۱۲۸۷ یزدگردی = ۲ ربیع ثانی ۱۳۳۶ هجری * 15. Januar 1918 * Nr. 24 * Jahrg. 2 *

نیز مقاله باو فرستادند که در شماره ۹ ربیع الاول ۱۳۳۶ (۲۳ دسامبر ۱۹۱۷) درج است و مازجه آنرا در اینجا نقل میکنیم:

تخلیه ایران

یک قدم بسوی استقلال حقیقی

غرة ربیع الاول ۱۳۳۶ در تاریخ ایران مانند ۹ محرم ۱۳۳۰ برای لهستان یک روز سعادتی خواهد ماند. در هر دو روز دولت آلمان که مدعیان «آزادی ملل ضعیف» اورا بخیاالات جهانگیری متهم میسازند قدمی بزرگ برای استقلال و آزادی دودمکت قدیم برداشت. از ابتدای جنگ دولت آلمان همیشه اثبات کرده که وی عمل را برقول ترجیح میدهد. ایران که یکی از مسلم ترین نمونه ملتیت تردید ناپذیر و هم قدیم ترین ملت از ملل متمدنه دنیای قدیم است هرگز طرف توجیه «علمداران اصول ملتیت» نشد. از این مملکت تاریخی که هم عصر اسپارت و آتن قدیم است و تا امروز در میان امواج شرقی و غربی ملل جهانگیر ملتیت خود را با وحدت و نجاس کاملاً حفظ کرده

مردۀ حیات

یا تخلیه ایران از قشون خارجی

ماده دهم متارکه تاسۀ را که در تاریخ غرة ربیع الاول ۱۳۳۶ بین نمایندگان فرماندهان کل قشون دول اتحاد از یک طرف و دولت روس از طرف دیگر در برست لیتوسک (۱) بسته شده میتوان یک قدم حقیقی بطرف استقلال حقیقی و کامل ایران دانست. ترجمۀ ماده مذکور از این قرار است: «فرماندهان کل قشون عثمانی و روس اساس آزادی و استقلال و تمامیت خاک ایران را مبنی قرارداد حاضرند که قشون خود را از ایران بیرون ببرند. فرماندهان مذکور هر چه زودتر با دولت ایران داخل مذاکرات شده که جزئیات امر تخلیه را تصفیه و سایر اموری را که برای انجام اساس مذکور ضروری است مقرر دارند.»

در این موقع روزنامه آلمانی «نرددویچه الگمین زیتونگ» (۲) از آقای تقی زاده مقاله در این خصوص برای درج خواش نمود ایشان

روزی از پس پرده در آمده همه آن دستگاهها را مثل تار عنکبوت پاره و بر طرف میکند.

موافقت آلمان برفع امتیازات خارجیها در مقابل قانون مملکتی (کاپیتولاسیون) در عثمانی، اعلان حسن نیت درباره ایرلند، آزادی و استقلال بخشیدن بلهستان، و شرط کردن تخلیه ایران از قشون خارجی با افشای عهد نامه های مخفی در پترسبورگ دستگاه تزویرا اگر بهم زنند و اگر باز جمعی گول حرفهای خوش ظاهر «علمداران» آزادی را بخورند دیگر چیزی آنها را متنبه نخواهد کرد.

گمان میکنم ترجیحی حسیات کَل ملت ایران را کرده باشم اگر تشکرات صمیمی تمام ملت خودم را بدولت آلمان و متحدین او از این نعمت ابراز کنم و بگویم که آن مملکت هیچ وقت حقشناسی این نیکی را فراموش نخواهد کرد.

تخلیه ایران از قشون خارجی اول قدمی است که در راه استقلال کامل ایران برداشته شد. لکن برای آنکه ایران واقعاً آزاد و حقیقه دارای تمام حقوق استقلالی خود باشد لازم است که این قدم را قدمهای دیگر در پی آید. اولاً لازم است تخلیه ایران بمعنی تام و کامل بعمل آید نه جزئی یعنی باید آن دسته های کوچک نظامیان خارجه هم که مدتها بعنوان دروغین «محافظین قونسولخانه ها» در بعضی از قونسولخانه های خارجه نگاهداشته میشد و در حقیقت پیش قراول استیلای نظامی بود که هر وقت میخواستند بتدریج زیاد میکردند نیز عودت داده شود و یک فرد نظامی خارجه در خاک ایران نماند. ثانیاً باید قشون انگلیس و ملاحان آن دولت نیز که در ولایات جنوبی و بنادر ایران رحل اقامت انداخته اند و بهانه ظاهری آنها دائماً فقط خوف از نقوذ و خطر روس بود نیز «ایران بیطرف» را کاملاً تخلیه کنند که حقیقت ادعاهای دوستی و طرفداری استقلال ایران که آن دولت همیشه میکرد بفعل و ثبوت برسد. ثالثاً و مهمتر از همه آنست که قیودات و امتیازاتی که بموجب آنها بتدریج ایران را مغلول و مقید داشته و در صدی نود حقوق استقلالی آنرا روس و انگلیس سلب کرده و ایران را مانع از هر گونه حرکت و ترقی شده اند باطل و زایل گردد و دست و پای ایران کاملاً از این زنجیرها آزاد شود. تا قشون خارجه ایران را تخلیه کنند دولت ایران باید قوای نظامی امنیه در ولایات خود فوراً تدارک کند که نظم و امنیت را کاملاً حفظ کند و هیچگونه دل واپسی باقی نگذارد. برای ایجاد یک قوه نظامی منظم صاحب منصبان اروپائی لازم است که تا حال دولت ایران از آزادی استخدام آنها از ذی الحجه ۱۳۲۹ باین طرف بدبختانه محروم است. برای نگاهداری آن قوه نظامی که اوجب واجبات است پول نقد لازم است که شاید از اول امر لازم شود که بقرض

است نه تنها در نقطه های بی در پی سه ساله رجال «آزادی طلبان» و پهلوان اصول ملت در نصف کره غربی ذکر از آن نشد بلکه دولت بریطانی با تسار روس همدست شده و در ۱۱ محرم ۱۳۳۴ بقیه السیف آن مملکت را نیز میان خود مخفیانه تقسیم کردند. آنها که از برای بلژیک و کوه سیام و سرستان که تاریخ استقلال آنها بقرنی نمیرسد ادعای مدافعه میکردند و حتی ملت های از میان رفته را استقلال می بخشودند بی شرمانه ایران و یونان دو نمونه شرقی و غربی قدیم ترین ملت دینای متمدن را زجر کش و خفه می ساختند.

فتوحات معجز نمای آلمان در شرق باعث سرنگون شدن استبداد تساری شده و انقلاب روس اصول ملت را با حقیقت و صمیمیتی فزونیتر از متحدین غربی آن دولت اعلان کرد. دولت آلمان که از ابتدای جنگ همواره اظهار حسن نیت خود را در باره استقلال تام و آزادی ایران بقول و عمل مکرراً اظهار کرده بود و باعث امید و سپاسگذاری ملت ایران شده بود دوستی خود را با آزادی ایران عملاً اثبات کرد و اینک آزادی طلبی حقیقی آن دولت را در ماده دهم از عهدنامه متارکه جنگ با روس می بینیم.

غرة ربیع الاول باید یک عید ملی بماند. در این روز بهمه بیحسبها و مظلومی که در ۹ سال اخیر از طرف قشون روس در ایران بعمل آمده که داستان بی پایان آنرا بیک کلمه «زجر کشی و مثله» اختصار توان کرد خاتمه داده شده است.

قشون روس در ۱۵ آوریل ۱۹۰۹ از جلفا در گذشته و بعنوان «حامیت اتباع روس» و موقتاً داخل ایران شد. این وظیفه «موقتی» پس از ۹ سال تمام نشد که سهل است دامنه وسعت آن تا نقاط جنوبی ایران مرکزی هم رسید.

در اواخر جمادی الآخره ۱۳۲۷ بعنوان احتیاط و خوف از خطر حمله بخنایریها و ملیون بطهران قشونی از باکو با تزیل و رشت تا قزوین در ۲۵ فرسخی طهران فرستاده شد. کمی بعد در استراباد و مشهد و مازندران نیز قشون روس وارد شد. و اینک اصفهان پایتخت قدیم ایران در ایران مرکزی و تمام ولایات غربی ایران نیز در تحت تصرف قشون آن دولت است. از عهد نامه های مخفی منشوره در پترسبورگ معلوم میشود که مدعیان آزادی ملل خیال داشته اند بعد از جنگ یکباره کار ایران را ختم کنند و «منطقه بیطرف» را نیز میان خود قسمت نمایند.

بلی این همه ناحقی و مصائب که در عهد اخیر بایران وارد شده بود بیانی میبایست داشته باشد. عدل الهی بمر و غدر بایستی خاتمه بدهد و بایستی معلوم شود که حيله و دروغ هر قدر با شدت تکرار و با تشکیلات منظم و لبره در دنیا بسط داده شود حقیقت

عثمانی که در برلین بنگارنده روزنامه «فوسیه زایتونگ» در تاریخ ۸ ربیع الاول ۱۳۳۶ و بسایرین تقریر کرده اند بخوبی میتوان دریافت. وزیر امور خارجه موصی‌الیه اظهار میدارند که: «ماده دهم متار که نامه موجب شادی بزرگی در محافل عثمانی شده است.»

بعلاوه روزنامه «طنین» که ناشر افکار هیئت وزرای حایه عثمانی و در واقع زبان رسمی حکومت عثمانی است در شماره ۳۲۴۳ مورخه ۷ ربیع الاول ۱۳۳۶ مقاله اساسی در این باب نوشته است که ما ترجمه بعضی از قسمتهای آنرا ذیلاً نقل میکنیم.

روزنامه مذکور پس از آنکه شرحی از اهمیت ماده مذکور مندرجه در متار که نامه و سیاست روس و انگلیس در زمان عقد معاهده نامه ۱۳۲۵ سخن میراند اینطور مینویسد:

«... و متأسفانه میان آنها که بخاک ایران ضرر وارد می‌آوردند - برخلاف میل خودمان - مامم داخل بودیم. دولین روس و انگلیس بعضی از نقاط ایران را تصرف کرده و بدین واسطه سرحدات ما را تهدید مینمودند. لازم بود که ما هم بهمان ترتیب از ایشان جلوگیری نماییم و بهمین جهت اردوهای عثمانی بایستی گاهی تا همدان و تبریز بروند. ولی نه ما و نه متحدین ما این را نمیخواستیم زیرا که از جمله مقاصد ما در این جنگ یکی هم مراعات حقوق ملل و مانع نبودن در جلو ترقیات آزادانه آنها بود و اینک ماده دهم متار که نامه دلیلی است بزرگ بکمال صمیمیت ما در این مقصود...»

و اینکه وزیر امور خارجه ما احمد نسیمی بیگ در موقع مسافرت خود به برلین در ضمن بیانات خود بنگارنده روزنامه «فوسیه زایتونگ» اظهار کرده اند که «ماده دهم متار که نامه باعث امتنان بزرگی در محافل عثمانی گردیده است» در واقع عین حقیقت است که بیان کرده اند... قبول ماده دهم متار که نامه از طرف دولت روس در حقیقت نسخ معاهده نامه ۱۹۰۷ است و بدین واسطه دولت انگلیس را دیگر نه حق انتکال بمعاهده نامه مذکوره و نه حق استدلال بدلائلی که اسباب عقد آن معاهده نامه بود میباید. امروز معاهده نامه ۱۹۰۷ منسوخ و حتی همه آن اسباب ظاهری و مصنوعی که دولت انگلیس در عقد معاهده نامه مذکور تسک بانها میجست کاملاً از میان مرتفع شده زیرا که در ۱۳۲۵ دولت انگلیس برای اینکه خود را در عقد این معاهده بحق جلوه بدهد سخن از خطر بر هندوستان و تهدید راه آنجا از طرف روسها میراند ولی حالا خود دولت روس دارد قشون خود را از ایران عقب میکشد و با اینحال دولت انگلیس را دیگر نه حق توسل بمعاهده نامه مذکوره و نه مجال دست آویز و بهانه دیگری باقی است.»

در این موقع اغلب روز نامهای اروپا شرحی نوشتند و مسئله تخلیه خاک ایران را از قشون خارجی که بنای آن چنانکه در ماده دهم متار که نامه هم مذکور است رعایت اصول آزادی و استقلال و تمامیت خاکی ایران بیطرف است از جمله مسائل دشواری شمردند که در این موقع حتی پیدا نمود و در ظلمات مسئله غامض و پیچ اندر پیچ شرق حکم

از خارجه تدارک شود در صورتی که از سال ۱۳۱۰ باین طرف این حق از دولت ایران مسلوب شده و هکذا صدها حق دیگر که شرح آنها در اینجا لازم نیست و بدون آنها اصلاً اساس آزادی و استقلال معنی ندارد و عملاً هم نگاهداری آنها امکان پذیر نیست.

لکن قسمت اول و آخر ماده دهم متار که دولت متحدین مرکزی و روس «آزادی و استقلال و تمامی خاکی» ایران را بنای سیاست قرار داده و علاوه بر تخلیه ایران میخواهند با دولت ایران داخل مذاکره شده و «سایر وسایلی را که برای انجام اساس مذکور ضروری خواهد بود» تصفیه نمایند امید قوی میدهد که مقصود نه تنها تخلیه ایران از قشون خارجی بلکه استقرار اصول آزادی و استقلال کامل ایران است.

حالا میباید دید آیا انگلستان هم این مملکتی که خود را وطن آزادی مینامد نیز حسن نیت خود را عملاً اظهار و اثبات کرده و بدولت روس و آلمان تأسی نموده پیروی اصول سابق الذکر را خواهد کرد و فوراً قشون خود را که پس از عقب کشیدن عثمانی و روس دلیلی برای ماندن آنها در ایران نیست پس خواهد برد و برفع قیودات محل با استقلال و آزادی ایران که همیشه درباره آنها عقب نمادند از روس را دلیل مجبوریّت خود پیش می‌آورد موافقت خواهد کرد یا نه. اینک موقع امتحان ادعاهای...

از مراتب حسن نیت و نیکخواهی که خصوصاً در این موقع از طرف اولیای دولت علیه عثمانی در حق ایران بعمل آمده و با پذیرفتن ماده دهم متار که نامه عقب کشیدن قشون خود را از ایران و تخلیه کامل آن متعهد شده اند ما سپاسگزارهای صمیمی خود را نسبت بآن دولت تقدیم میداریم. از روزیکه نقاط غربی و شمالی ایران بواسطه قشون روس و عثمانی میدان جنگ و جدال بوده و ایالات مذکوره دچار همه قسم صدمه و خسارت و متحمل هزار گونه مصیبت گردیده است اولیای دولت علیه عثمانی در هر موقع و فرصت از این پیش آمد ناگوار اظهار دلسوزی و تألم نموده و صفای نیت خود را نسبت بدولت ایران و آزادی و استقلال آن آشکار میداشتند. عمده ترین دلیلی که در این باب میشود ارائه نمود همانا نطق آخری است که اعلیحضرت سلطان در ۱۶ محرم ۱۳۳۶ در موقع افتتاح مجلس مبعوثان عثمانی فرموده و در مورد ایران اینطور تقریر نمودند: «آرزوی مخصوص ما این است که همسایه اسلامی ما دولت ایران از همه قسم تجاوزات استیلا جویانه محفوظ مانده با استقلال تمام ترقی و تعالی نماید.»

اینک در این موقع که برطبق ماده دهم متار که نامه بین دول متحده از طرفی و دولت روس از طرف دیگر تخلیه خاک ایران از قشون روس و عثمانی قرار یافته است اثرات آنرا در قلوب برادران عثمانی و رجال آن دولت علیه از بیانات جناب احمد نسیمی بک وزیر امور خارجه

پرتوده بودند امروز چشم دیدن فرمان آزادی ایران را هم ندارند وبدون بیم وخجالت در آن تحریفاتی مینابند که جاودان اسباب سیه روی خود آنها خواهد ماند.

واقعات اخیرۀ

جنگ فرنگستان

در این ماههای اول سال چهارم جنگ فیروزیهایی بزرگ از هر حیث چه نظامی چه اقتصادی نصیب آلمان و متحدین گردیده و همان قدر که مقام آنانرا مستحکم کرده امیدهای متفقین را متزلزل نموده است.

از حیث اقتصاد ومعیشت امروز میتوان گفت که بهبودی خیال خامی را که متفقین برای گرسنه کش نمودن ملت آلمان در دماغ خود پخته بودند بکلی آشکار گردیده است. با آنکه در آلمان هم مثل کلیۀ ممالک دیگر جنگاور و حتی بیطرف کار معیشت مشکل است با وجود این میتوان یقین داشت که از این بعد کار خوراک در آلمان اگر بهتر نشود سخت تر نخواهد گردید. بر عکس فرانسه و انگلستان که با مشکلات زیاد دوجار هستند و هر روز مسئله ارزاق در آنجاها سخت تر میشود و همین مناسبت بود که دولت انگلیس اخیراً صادرات مال التجارۀ خود را بمالک بیطرف بکلی غدن نمود که مبادا غنریب خود وی محتاج بماند و دیگر از هیچ کجا نتواند لوازم زندگانی برای خود تهیه نماید.

اخیراً در آلمان احصائیه مصوری نشر شده که قیمت ارزاق را در آلمان و در ممالک دشمن با هم مقایسه نموده وبآسانی دیده میشود که قیمت ارزاق در آلمان از انگلیس و فرانسه و روسیه خیلی ارزانتر و مناسب تر است. از آنجمله هر ۱۳ سیر نان (یک کیلوگرام) در آلمان بیول آلمان ۴۰ فنیک و در انگلیس ۵۵ فنیک و در روسیه ۴۳ فنیک است. و هر ۱۲ سیر قند در آلمان ۶۴ فنیک، در انگلیس ۱۰۴، در فرانسه ۱۱۱ و در روسیه ۱۴۹ فنیک است. و هر ۱۳ سیر سیب زمینی در آلمان ۱۳، در انگلیس ۳۱، و در فرانسه ۴۰ فنیک است و همچنین اغلب سایر ارزاق. از طرف ماله هم آلمان را اشکالی در پیش نیست چنانکه قرض اخیری که ملت آلمان هفتمین بار بدولت خود داد و مبلغ آن قریب ۱۲ میلیارد ونیم مارک است (یعنی بیش از ۱۶۰، ۶۲ کرویر تومان اگر مارک را بیزان قبل از جنگ یعنی از قرار ۲۰۰۰ قران حساب نمائیم) این مسئله را بخوبی آشکار میدارد.

ولی فیروزیهایی عمده اسمائۀ متحدین مخصوصاً نظامی است: پس از آنکه در گالیسی دشمن را بکلی از خاک اتریش بیرون نمودند و آنهمه زحمات و تلفات بروسیلوف را بهدر دادند^(۱) در ۱۴ ذی القعدة ۱۳۳۵ در حد اتهای شمالی میدان جنگ شرق بقتۀ

نوری را حاصل کرد. در تاریخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۶ روز نامه «بترد آم میتاخ»^(۱) با شرح سئوال و جواب خبر نگار سیاسی خود با حضرت آقای حسینقلی خان نوآب سفیر ایران در برلن دو ستون روز نامه خود را پر نمود. سئوال و جواب مذکور شامل مطالب بسیاری است که چون از طرف مقامی رسمی اظهار شده کسب اهمیت مخصوص میناید ولی بدبختانه ما بمناسبت طول آن از نقل آن در اینجا مجبوریم صرف نظر نمائیم. هم در این موقع از طرف ملتون و وطن پرستان ایرانی و وکلای مجلّی ملّی مقیم فرنگستان تلگرافاتی چند در سپاسگذاری و امتنان وتشویق بنقاط مختلفه مخابره گردیده است.

تخلیه ایران و روز نامه تایمس

از غرایب تحریف کلام ترجمه ایست که روز نامه «تایمس» لندن بتاريخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۶ (۱۹ دسامبر ۱۹۱۷) از ماده دهم متارکه نامه میان دول مرکری و روس نموده و عبارت ماده را صراحتۀ تحریف کرده است. نص عبارت را که میگوید: «اساس آزادی و استقلال و تمامیت خاک ایران بیطرف را مبنی قرار داده... الخ»^(۲) بدینگونه تغییر میدهد: «اساس آزادی و استقلال و تمامیت خاک قسمت بیطرف ایران را مبنی قرار داده... الخ». معلوم است با گنجاندن تنها کلمۀ «قسمت» در میان جمله مذکور معنی بجه اندازه تغییر میابد بلکه اصلاً بکلی ضد مقصود را میرساند. ماده دهم متارکه نامه صراحتۀ حاکی آزادی و استقلال و تمامیت خاک تمام ایران است و در حقیقت ناسخ عهدنامه انگلیس و روس ۱۳۲۵ راجع بایران است چونکه شناختن استقلال تمام تمام ایران از طرف دولت روس مستلزم نسخ منطقه نفوذ آن دولت است در ایران که با اساس استقلال بکلی منافی بود در صورتیکه ترجمۀ روزنامه «تایمس» بهیچ وجه من الوجوه این معانی را نمیرساند.

علاوه بر تحریف مزبور روز نامه «تایمس» در جمله آخر ماده نیز تغییراتی داده است باین معنی که عبارت: «سایر وسایلی را که برای انجام اساس مذکور در فوق ضروری است» را بدین طور ترجمه مینماید: «و همچنین انجام ضماقت اساس مذکور و بعضی وسایلی ضروریۀ دیگر». و با این جزئی تحریف آشکار است که مقصود را تا بجه درجه سست نموده است.

این گونه تحریفات از جراید ائتلاف تازگی ندارد ومخصوصاً از طرف «تایمس» که دشمنی آن با آمال ایران مشهور وقیدی است و در این موقع نخواستۀ بگذارد که ماده مذکور اثرات خود را در میان آزادی طلبان صمیمی انگلیس ببخشد وباتحریفات جزئی بمقصود شوم خویش نایل گردیده است. وعجب آن که روس ایران را آزاد میخواهد واستقلال آترا میشناسد و انگلیسها که همیشه سنگ حمایت ودلسوزی ملل ضعیف را بسینه میزد و میزنند ومخصوصاً مدتی با وعده های گرم و نرم گوش ایرانیان را

(۱) B. Z. am Mittag

(۲) برای ترجمۀ تمام ماده رجوع شود بمقالۀ «مژده حیات» همین شماره «کاوه».

(۱) رجوع شود بشمارۀ ۲۲ «کاوه»

۲۷ محرم در پاریس نمود صریحاً پریشانی اوضاع متفقین را مطرح قرار داده است. و حقیقه بعضی فقرات این نطق که با خون سردی و عقل و تدبیر انگلیسها مبادت کلی دارد درجه وخامت اوضاع «ملکه دریاها» و همدستان وی را مثل روز روشن میدارد. از جمله لوید جرج میگوید: «هیچ فایده ندارد که اهمیت این شکست فاحش (ایتالیا) را مخفی بداریم. و قتیکه ما یک کیلومتر در میدان جنگ جلو میرویم و یک دهکده را میگیریم و چند صد تنی اسیر بدست میآوریم فریاد شادی و فیروزی را بفک می‌رسانیم... پس چه می‌کردیم اگر پنجاه کیلومتر (اکنون ۱۲۰ کیلومتر) وارد خاک دشمن شده بودیم و ۲۰۰،۰۰۰ اسیر (حالا ۳۰۰،۰۰۰) و ۲۰،۰۰۰ توپ و مبادی هنگفت قورخانه و آذوقه گرفته بودیم».

یکی از جراید انگلیسی مینویسد: «آلمانها هر پائیز عادت کرده اند یک مملکت را بلع نمایند، در ۱۹۱۴ بلژیک را، در ۱۹۱۵ سرستان را، در ۱۹۱۶ رومانی را. معلوم میشود در ۱۹۱۷ نوبت ایتالیا رسیده است».

ولی از آنجائیکه اقبال همواره همراه ظفر است میتوان گفت که در این سال علاوه بر ایتالیا روسیه هم بکلی دیگر از دایره جنگ بیرون افتاد و هر کدام از این سرجنابان متعددی هم که در آن خاک امروز بر ضد یکدیگر بیرق افراشته و بجای یکدیگر افتاده اند پیش ببرند دیگر گمان نبرود که قشون از هم پاشیده شیرازه گسیخته روسیه بتواند جواب قشون بی مثل آلمان و متحدین را بدهد.

در باره اوضاع روسیه که حقیقت هرچ و هرچ را بتمام معنی کلمه محسم نموده است ما بقتل سخنان یکی از روسای دسته اجتماعیتون خود روسیه اکتفا مینمائیم. روبانویچ^(۱) که از جانب کرنسکی حامل بعضی پیغامها برای رئیس الوزرای اخیر فرانسه پتلوه مستعفی بود اخیراً در پاریس بعضی اظهارات بنویسنده روزنامه «پتی پاریزین» داشته که ترجمه آن از این قرار است: «بزرگواری کرنسکی که متقد بعقل سلیم دسته «افراطیون» بود سبب شکست وی گردید. بعلاوه فرانسه‌ها باید بدانند که دهقانان روسیه تا بحال ۵ میلیون مقتول و ۳ میلیون اسیر و ۶ میلیون مجروح در راه وطن داده‌اند». معلوم است حال ملتی که ۱۴ میلیون تلفات داده باشد چه باید باشد و تا چه درجه باید تشنه صلح باشد.

اما جنگ بحری، بنا بیک ابلاغیه رسمی آلمان تحت البحرهای آلمان در عرض این ده ماهه اول از جنگ بی ملاحظه زیر دریائی پیش از ۱۵ کرور تن (بیش از ۴۰ کرور خروار) کشتی غرق نموده‌اند! و از تاریخ ۷ صفر هم که حدود عملیات خود را باز بیشتر وسعت داده‌اند البته بیش از پیش نتایج آن محسوس خواهد گردید.

دیگر از واقعات مهمه این اواخر سفر اعلیحضرت امپراطور آلمان است باسلامبول که در ۲۸ ذی الحجه ۱۳۳۶ بدان پایتخت ورود نمود و تأثیر بسیار عمیقی در قلوب کلیه مشرق زمینان نمود. از این

حمله برده شهر ریگا را تصرف نمودند. و برای آنکه خلیج مهم ریگا بکلی از دست روسیه بیرون آید در ۲۷ ذی الحجه ۱۳۳۵ کشتیهای آلمانی با یک شجاعت و سرعت بی مانندی در دو جزیره اوزل و داگو (که از طرفی در دهانه شمالی خلیج ریگا و از طرف دیگر در دهانه خلیج فنلاند که پترسبورگ در انتهای آن است واقع اند) قشون پیاده نمودند و در چند روز هر دو جزیره را بتصرف در آورده و در ایالت استلاند هم که دروازه پایتخت روسیه است دست یافتند.

ولی در همان موقع که انظار عالم متوجه حرکات قشون آلمان در شمال اروپا و اقدامات سریع دولت روس در تخلیه پترسبورگ بود ناگهان در ۹ محرم ۱۳۳۶ صدای غرش توپ متحدین از طرف جنوب از میدان جنگ ایزونسو بلند گردید. آلمان و اطریش دو دوست متحد پس از آنکه چندی پیش خاک اتریش را از طرف شمال شرقی از وجود روس پاک ساختند خواستند از طرف جنوب غربی نیز ایتالیای دغل را گوشمالی داده و بمردان سیاسی آن مملکت نتایج سیاست «خود خواهی مقدس» را محسوس دارند.

شرح این هجوم که باسم «جنگ دوازدهم ایزونسو» در تاریخ خواهد ماند برای قشون متحدین که در مدت طولانی این جنگ بهر حرکتی تاج و تخی را سرنگون نموده‌اند بزرگترین مایه افتخار و در میان آن همه شجاعتها در تاریخ این جنگ مانند یکی از شاهکارهای بیانند نظامی روزگاران مغلده خواهد ماند. در عرض یکی دو هفته دو قشون ایتالی تقریباً با تمام نابود شد و قشون متحدین پس از آنکه از رودخانه‌های صعب المرور ایزونسو و تالیامنتو^(۱) عبور نمودند و از جبال شامحه این نواحی که برای حرکات نظامی یکی از مشکلترین سرزمینهای اروپاست با سرعتی حیرت آمیز گذشتند و علاوه بر آنکه دشمن را که با صد هزاران اتلاف نفوس و میلیاردها مصارف در عرض دو سال و نیم جنگ چند فرسخی در خاک اتریش جلو آمده بود عقب راندند بر تمام قسمت شمال شرقی ایتالیا هم دست یافتند و تا ساحل رودخانه پیاوه^(۲) رسیدند و در عرض سه هفته قریب ۳۰۰،۰۰۰ اسیر و ۲۰،۰۰۰ توپ از ایتالیائها گرفتند.

بنا باطلاع رسمی دوم صفر قشون متحدین در عرض چهار ماه اخیر چه در روسیه و چه در ایتالیا ۳۹۰،۰۰۰ اسیر و ۳،۲۲۳ توپ و قریب ۷،۶۰۰ فرسخ مربع زمین گرفته‌اند.

متفقین با آنکه همیشه عادت داشته اند مورا در چشم طرف بیستد و تیرا در چشم خود ندیده انگارند دیگر در این موقع نتوانسته‌اند بکلی پا روی حقیقت بگذارند و جراید فرانسه و انگلیس پیشرفتهای اخیر متحدین را در ایتالیا آشکارا اقرار و تصدیق میکنند. و حتی لوید جرج رئیس الوزرای انگلیس در مراجعت از سفری که به همراهی پتلوه^(۳) رئیس الوزرای فرانسه بایتالیا نموده بود در نطقی که در

Roubanowitch (۱)

Painlevé (۳) Piave (۲) Tagliamento (۱)

الاول دول مرکزی پیشنهاد را رد نموده و گمان رفت که اصلاً روابط قطع شده باشد. ولی روز وعده روزنامه خبر آمدن خود ترسکی مأمور ملت برای امور خارجه روس را برست لیتوسک دادند و معلوم شد کار دوباره اصلاح شده است. تا با امروز که ۲۷ ربیع الاول است دیگر خبر مهمی که بفهماند تا بچه درجه مذاکرات پیشرفت نموده نرسیده است.

گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران

از سلسله انتشارات جریده کاوه

اداره کاوه با اینکه از یکطرف اشتغالات زیاد که در این موقع داشته و با اینکه از طرف دیگر هم وسایل طبع و نشر بقدر کافی نداشته است باز در عرض این دو سال بنشر بعضی رسایل مفید و اوراق مهم موفق گردیده است که از آنجمله است رساله «ایران و جنگ فرنگستان» که دو سال پیش بطبع رسیده و درباب اوضاع حالیه و تکالیف امروزی ایران بعضی اطلاعات و عقاید مفیده را دارا میباشد.

«گنج شایگان» نیز که بتازگی از طرف اداره کاوه نشر شده و راجع باوضاع اقتصادی و تجارتی ایران است از آن سلسله انتشارات است و اداره کاوه از موفق شدن بنشر چنین اثر مفید خود را خوشوقت میداند. این کتاب که بهمت و سعی جناب آقای سید محمد علی جمال زاده فرزند پیشوای آزادی و فدای حقیقی استقلال ایران مرحوم سید جمال الدین اصفهانی ترتیب یافته بهترین اثرهایی است که تا امروز در زبان فارسی راجع باین موضوع نوشته شده است.

از آنجا که هنوز اصول تألیف و طبع بترتیب سلیقه و قاعده اروپائیان در میان ایرانیان معمول نشده است این کتاب برای مؤلفین و نویسندگان وطن ما بهترین نمونه در این خصوص خواهد شد.

این کتاب دارای ۲۱۹ صفحه و شانزده فصل و یک ضمیمه و ۴۶ جدول احصائیات و شش نقشه میباشد.

محسنتی که در اصول تألیف این کتاب بنظر میرسد عبارت است از اینکه اولاً باعبارات ساده و خالی از تکلفات نوشته شده است. دوم مطالب با یک ترتیب و انتظام صحیح از بی هم دیگر آمده کلیه مباحث بهم دیگر مربوط میباشند. سوم اطلاعات از مأخذهای صحیح و معتبر اخذ شده و در پای صفحات آن مأخذها را یاد آوری کرده اند. چهارم جدولهای متعدد احصائیات و نقشه های مختلف با دقت و صحت تمام ترتیب داده شده. پنجم علاوه بر فهرست مندرجات فصول یک فهرست عمومی الفبائی نیز در آخر کتاب درج شده است.

چون مسائل اقتصادی در این قرن بیستم غلبه و تسلط بر تمام مسائل دیگر دارد و بلکه میتوان گفت که منشأ جنگهای بین المللی و هرگونه

بعد عموم مسلمانان بیش از پیش باید امیدوار و مطمئن بدوستی این امپراطور بلند جایگاه باشند.

سطوره مسطوره در فوق در خصوص اوضاع و احوال روسیه بخوبی میفهماند که ملت روس را کارد با ستخوان رسیده و دیری نخواهد گذشت که قریادهای «نان و صلح» راه صلح را باز خواهد نمود.

ولی پیش از آنکه داخل مسئله صلح با روسیه بشویم بحاست که یک جمله از سخنان میرنچ لودندورف^(۱) همکار مشهور سیهسالار هیندنبورگ را در خصوص روسیه در اینجا نقل کنیم: لودندورف در سوال و جواب با یک روز نامه نویس اتریشی میگوید: «اگر کسی بگوید که انقلاب روسیه برای آلمان یک خوشبختی اتفاق است من تعرض خواهم نمود. انقلاب روسیه هیچ خوشبختی اتفاق نیست بلکه نتیجه مستقیم و ضروری مهارت لشکرکشی ما و عاقبت منطقی قوانین جدید جنگ است. پیش از اینها جنگ بین دو قشون بود امروز بین دو ملت است. پیش از اینها همیشه قشون طرف مغلوب میشد جنگ پایان میافت امروز پایان جنگ بسته بشکست ملت طرف است. این نکته را ما هم پیش از جنگ نمیدانستیم ولی جنگ با آموخت شکست نظامی اسباب سلب اطمینان ملت از دولت خود و باعث افتادن هیئت دولت میگردد. و وقتی که اساس حکومت مانند روسیه تا بمغز استخوان پوسیده باشد و حاضر افتادن باشد نتیجه یک شکست نظامی میتواند زیر و روشن تمام اساس مملکتی گردد.» رشته امور روسیه پس از آنکه از دست تزار نیکلای دوم و میلیوکف و همقطاران وی و کرنسکی عاقبت بدست لین و ترسکی افتاد که اولین سطر نظامنامه عملیات خود را اجرای صلح نموده و بهمین وسیله هم ملت روسیه را با خود همراه کرده بودند دیگر آشکار بود که کار صلح باید صورت بگیرد چنانکه در غزه ربیع الاول نمایندگان دول مرکزی از یک طرف و نمایندگان روسیه از طرف دیگر متار که نامه برست لیتوسک را^(۲) امضا نمودند. پس از آن در ۸ ربیع الاول نمایندگان روسیه موادی چند راجع بنکات اساسی که باید در موقع بستن عهدنامه صلح مراعات شود پیشنهاد هیئت نمایندگان دول مرکزی نمودند و در جواب آن هم کنت چرین^(۳) رئیس الوزرای اتریش از طرف متحدین در ۲۱ ربیع الاول جوابی اظهار داشت که متضمن ۶ نکته اساسی بود و نقطه نظر متحدین را میرساند. هیئت نمایندگان روس در این موقع پیشنهاد صلح عمومی نمودند و برای این مقصود بنا شد مذاکرات صلح ده روز تأخیر افتد تا شاید دول دیگر ائتلاف نیز حاضر بدخول در مذاکرات صلح شوند. پایان وعده ۲۲ ربیع الاول بود که بنا بود چه از طرف دول دیگر ائتلاف جواب مساعدی برسد یا نه نمایندگان متحدین و روسیه مجدداً در برست لیتوسک گرد آمده و مشغول مذاکرات قطعی صلح شوند. در ۲۰ ربیع الاول یعنی دو روز بوعده مانده هیئت نمایندگان روسیه از پتر سورگ تقاضا نمود که برای مذاکرات صلح بجای برست لیتوسک نقطه دیگری انتخاب شود در یکی از ممالک بیطرف و استکهلم را پیشنهاد نمودند. در ۲۱ ربیع

Czernin (۳)

Brest Litowak (۲)

Ludendorff (۱)

درباره ایران فقط بدکر لزوم مذاکره در باب استقلال اقتصادی تنها اکتفا نموده بود لهذا نماینده هیئت ملیون ایران در استوکهولم آقا سید محمد علی جمالزاده اعتراض نامه در ۱۶ محرم ۱۳۳۶ نوشته و بدان هیئت فرستاد که صورت آن در شماره های ۱۷ محرم روزنامه های سوئدی «آفتن بلاد» (۱) و «نیا داکلیگت آلهاندا» (۲) طبع و در بعضی روزنامه های دیگر نیز ذکری از آن شده است.

اعتراض نامه مذکور اولاً دلایلی چند برای آنکه استقلال اقتصادی برای یک مملکتی نه فقط ناکافی بلکه غیر قابل اجرا هم هست آورده سپس بدکر منافع و فوایدی که در وجود یک ایران بالتمام مستقل برای دنیا و آئینه صلح مستمر آن ملحوظ است پرداخته و پس از اظهارات حیرت و تأسف از آنکه روسیه با وجود آنکه تا دیروز باعث اغلب سیه روزهای ایران بود امروز در جزو شرایط صلحی که بتوسط اسکوفاف (۳) نماینده دسته کارکنان و سربازان در تاریخ ۴ محرم بهیئت متفقین که میبایستی در پاریس بر پا شود فرستاد استقلال تام و تمام ایران را در تحت ماده دهم از شرایط اساسی صلح قرار میداد و حال آنکه هیئت اجتماعین که آنهمه دعوی عدالت پروری و مساوات و آزادی طلبی دارد از استقلال سیاسی ایران هیچ سخنی نرانده، شمه از خطرات سیاست و طمع کاری انگلیس در آسیای غربی و آرزوهای ملت ایران بشمار آورده بالأخره باین جمله پایان میگردد:

ملت ایران جز آزادی و استقلال که از جمله مشروع ترین حقوق وی است و بدان سزاواری کامل دارد آرزوی ندارد و تمام قصد وی این است که آزاد و آسوده خدماتی را که در گذشته بتمدن و ترقی نوع بشر نموده ادامه نموده و از پرتو سعی و کوشش و هوش فطری خود گنجهای پربهای دیگری بمرمیه معنوی نوع بشر افزوده و در طریق صلح و رفاه و ترقی نشو و نما نماید.

اعتذار

روز نامه کاوه اگرچه اساساً چنانکه در سرلوحه آن نوشته شده باید هر دو هفته یک بار منتشر شود ولی از آنجائی که این روزنامه در حقیقت زائیده جنگ کنونی است و اداره و طبع و نشر آن بسته بیش آمدهای جنگ و اشخاصی است که متکفل کار آن هستند. و از آنجائی که در این اواخر اشخاص مذکور سرگرم باره خدمات ملی دیگر از قبیل امر انجمن اجتماعین در استوکهولم و غیره بودند در ترتیب نشر روز نامه اختلالی پدید آمد و مخصوصاً این شماره از وقت خود خیلی دیرتر بیرون آمد اینک امیدواریم که از این پس شماره های کاوه با نظمی بیش از پیش در آید.

اختلافات و انقلابات سیاسی فقط مسائل اقتصادی است و چون در باب اوضاع اقتصادی ایران نه تنها هموطنان ما اطلاع کاملی ندارند بلکه در خود اروپا نیز در خصوص اوضاع اقتصادی ایران کمتر چیزی نوشته شده است این است که امیدواریم این اثر آن نقصان را تکمیل بکند و منظور نظر قبول ارباب علم و اختصاص بشود.

برای تعمیم فواید آن و مخصوصاً برای جلب انظار اروپائیان بمسائل اقتصادی ایران اداره کاوه در نظر گرفته است که عین کتاب را بیکی از زبانهای خارجه ترجمه بکند.

و از این پس مابعضی اقتباسات از آن کتاب نموده و در شماره های «کاوه» درج خواهیم نمود. در این شماره فقط بنقل جدول واردات مهم ایران اکتفا مینمائیم:

واردات مهم ایران

مال التجاره	قیمت تخاقوی تیل ۱۳۲۷-۲۸	قیمت ایت تیل ۱۳۲۸-۲۹	تفاوت	
			افزونی	کاست
منسوجات پنبه .	۱۲۴'۱۶۹'۷۰۷	۱۳۹'۰۷۵'۵۵۷	۱۴'۹۰۵'۸۵۰	قران
تند (کله و خاکه)	۱۰۷'۲۶۷'۰۴۵	۱۲۰'۵۹۵'۹۶۹	۱۳'۳۲۷'۹۲۴	—
طلا و تفره شمش .	۴۰'۶۸۱'۳۵۰	۴۳'۴۶۷'۴۱۱	۱'۷۸۶'۰۶۱	—
چای	۲۷'۶۰۳'۸۹۴	۲۴'۸۲۳'۴۲۰	۲'۸۷۰'۴۷۴	—
مسکوکات طلا و تفره	۱۴'۵۷۴'۳۷۶	۱۱'۹۲۷'۰۵۹	۲'۶۵۷'۳۱۷	—
نخ پنبه	۱۰'۴۳۴'۸۶۲	۱۱'۱۴۵'۴۱۲	۷۱۰'۵۵۰	—
منسوجات پشمی خالص	۹۰'۱۵۰'۶۳۹	۹۰'۷۲۵'۰۳۶	۷۰۹'۳۹۷	—
نفت	۸۰'۱۶۰'۱۲۹	۶'۹۹۷'۴۹۴	۱۰'۱۷۰'۶۳۵	—
منسوجات ابریشم و پنبه	۳'۶۲۳'۰۰۲	۶'۰۷۹'۷۱۶	۲'۴۶۷'۷۱۵	—
مس و نیکل	۲'۰۵۳'۵۱۲	۵'۵۸۶'۶۹۷	۳'۵۳۳'۱۸۵	—
اسباب آهنی و فولادی	۸'۲۰۵'۵۶۰	۵'۴۶۴'۷۵۷	۲'۷۴۰'۷۴۹	—
خرازی و غیره	۴'۲۷۷'۱۹۰	۵'۴۲۵'۱۹۶	۱'۱۴۸'۰۰۶	—
آرد گندم	۳'۴۲۹'۳۷۵	۵'۲۲۵'۵۳۷	۱'۸۹۶'۱۶۲	—
منسوجات پشم و پنبه	۴'۵۷۱'۲۳۶	۴'۵۲۸'۸۲۳	۴۲'۴۰۳	—
پوست کار نشده	۲'۸۸۷'۶۵۵	۴'۰۳۱'۱۱۹	۱'۱۴۳'۴۶۴	—
منسوجات متفرقه	—	—	—	—
دیگر	۱'۷۴۸'۴۸۴	۳'۴۴۵'۲۴۱	۱'۶۹۸'۸۵۷	—
کبریت	۳'۳۵۳'۲۲۵	۳'۴۱۸'۲۳۳	۶۴'۰۰۸	—
آهن و فولاد (ورق و مفتول)	۲'۹۹۱'۲۸۵	۳'۰۴۸'۷۰۹	۵۷'۴۲۴	—
نخل و پلوش پنبه	۱'۹۱۹'۳۴۴	۲'۹۹۵'۳۸۰	۱'۰۷۶'۰۳۶	—
نخ کتان و علف کتانی	۲'۱۸۷'۳۴۴	۲'۸۷۷'۵۵۵	۶۹۰'۲۱۱	—

اعتراض ملیون ایران

بهیئت اجتماعین هلند و اسکاندینا

از آنجائی که هیئت اجتماعین هلند و اسکاندینا در بیان نامه که در اوایل محرم این سال در باره مقاصد خود و شرایط صلح نشر کرده بود

زنده جاوید

از ضایعات بزرگ ایران وفات مرحوم حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری است که با کمال اسف در جراید ایران خوانده شد که در دهه ثانی ماه محرم ۱۳۳۶ در گذشت.

در تاریخ انقلاب در ایران فقط چهار و پنج نفر بیش مرد با قیمت تمام معنی دیده نمیشود. سردار اسعد و یفرم خان از ایران و شوستر آمریکائی مثالهای درخشنده تاریخ اخیر ما هستند.

سردار اسعد از اشخاص بزرگی است که از کیهستان ایران بعمل آمده و باعث روسفیدی نژاد ایرانی گشته. در این زمان که در مملکت ما فساد اخلاق در بزرگان آن ملک اسباب این همه سرافکنندگی برای اشخاص بیدار و آبرومند مملکت است وجود اشخاص درست و عالی همت و وطن دوست از آن طبقه حکم یک معجزه را دارد و سردار اسعد مرحوم یکی از آن معجزات باهره بود که بیایک و درستی و باسرفی و وطن پرستی ممتاز بود. حاج علیقلی خان پسر سوم حسینقلی خان ایلخانی بختیاری است که مسعود میرزای ظل السلطان او را بقدر و حيله در شعبان ۱۲۹۹ کشت. حاج علیقلی خان بعد از فوت پدر سالها با برادر بزرگ خودش اسفندیار خان سردار اسعد در اصفهان محبوس بودند تا بعدها خلاص شده و بپهران آمدند و بستگی بمیرزا علی اصغر خان امین السلطان پیدا کردند. بعد از وفات اسفندیار خان حاج علیقلی خان ملقب بسردار اسعد شد و مدتی در پاریس اوقات خود را گذراند.

در سال ۱۳۲۶ جمعی از مشروطه خواهان ایرانی که از ایران فراری بودند در پاریس بسردار اسعد نزدیک شدند و کم کم بتأثیر مجاورت و معاشرت آنها سردار اسعد مایل شد که اوضاع استبدادی را در ایران برانداخته باسترداد مشروطیت کمک کند. تعلیمات مشارالیه انقلاب اصفهان و هجوم بختیارها بدانجا در ذی الحجه ۱۳۲۶ بعمل آمد. بعد از افتادن اصفهان بدست بختیارها سردار اسعد از راه محترمه عازم ایران شد و پس از رسیدن بپارسی محل بختیاری تدارک اردو کشی بطهران را دیده در حمادی الثانیه آنسال با قوای خود رو بطهران آورد. بعد از قح طهران تاریخ حیات سردار اسعد با تاریخ سیاسی خود ایران توأم است زیرا مشارالیه از پیشروان عمده حرکات ملی بود. از سه چهار سال باینطرف بدبختانه مشارالیه از قوه باصره محروم شده و کم کم فالج نیز شده و از خانه بیرون نمیرفت ولی تمام وقت خود را صرف نشر علم و معرفت میکرد. از جمله آثار آمارحوم کتاب تاریخ بختیاری است که در زمرة مهمترین کتب معدودی حساب میشود که در زمانهای اخیر در ایران نشر شده باشد. فرستادن جوانهای بختیاری را نیز برای تحصیل بفرنگستان از جمله اعمالی است که ترقی خواهی مشارالیه مرحوم را بخوبی میرساند. ملت ایران همیشه حق شناس و سپاسگذار خدماتی که وی بایران نموده خواهد بود.

وفات

در ۲۰ ماه صفر ۱۳۳۶ دوست عزیز و همکار محترم ما پروفیسور اوسکار مان^(۱) معروف این جهان را وداع گفت.

وفات این علامه که وجودش بسیار مقتم بود برای ایران و ایرانیان از ضایعات بزرگ است. مشارالیه مرحوم در تاریخ حیات خود برای ادبیات و زبان ایران خدمات عمده کرد و در سالهای آخری در سیاست ایران نیز علقه مهمی پیدا کرده بود. مخصوصاً بملیتون ایرانی در برلین در اثنای این جنگ کمک زیادی نموده و تمام اوقات خود را صرف امور ایران میکرد. کمک مشارالیه بروزنامه «کاوه» دلیل دیگری بتأثیر اجزای این اداره از فوت آن مرحوم است. مشارالیه مرحوم در ۱۹ جمادی الاولی ۱۲۸۴ در برلین متولد شده تحصیلات خود را در مدرسه متوسطه «فریدریک ویلهلم» و بعد در هایدلبرگ و برلین بپایان رسانیده در سنه ۱۳۰۹ در مدرسه عالی اشتراسبورگ در قسمت فلسفی تحصیل کرده و در سنه ۱۳۱۰ در خدمت کتابخانه پادشاهی برلین داخل شد.

خدمات آمارحوم بعالم علم بیشتر از آن است که در این مختصر بتحریر بیاید. مخصوصاً در تدقیق و تتبع زبانهای ایرانی سعی وافیه مبذول داشته بود. اختصاص مشارالیه در شعبه زبان کردی از شعب علم السنه ایرانی بود و مخصوصاً برای تحقیق این شعبه مسافرتها بایران و عثمانی نمود و سالها میان عشایر و قبایل کردهای گوران و مگری و غیره بسر برد و در نتیجه تتبعات خود کتاب مشروحی در لهجههای مختلف زبان کردی نوشت که بهترین یادگار آن مرحوم است.

مشارالیه مرحوم بواسطه علت مزاجی که عارض او بود از یکسال باینطرف تا اندازه از کار بازمانده بود و در این اواخر کم کم حالش رو بهبودی گذاشته بود و چنان بنظر میآمد که دیگر مرض رو بزوال است. روز پیش از وفاتش عصر تا ساعت ۸ بعد از ظهر در اداره «کاوه» مشغول انجام امور محضاتین ایرانی بود و شب را با خود ما تا ساعت ۱۱ برای تشکیل مجمع ایرانی در جلسه که برای این کار منعقد شده بود حاضر بود و فردای آروز صبح با کمال تأسف و دهشت شنیدیم که ساعت ۸ صبح فجاءه در گذشته.